

The Role of Religious Propagation in Political Mobilization for Tobacco Movement

Mahdi Abutalebi¹

Received Date: 2023/03/30

Accepted Date: 2023/07/17

One of the most important topics in recent years is the debate on the relationship between Howzah and politics; In particular, the relationship between religious ceremonies and propagation, and politics. Some try to show that the approach of Howzah and religious missionaries, is the separation of these religious institutions from politics. To answer this doubt, in the form of a case study, we examined the debate in the "tobacco movement", and considering the limitations of the article, we examined only the question of "what role religious propagation plays in political mobilization in that movement?". To answer this question, by using the theory of "political mobilization in political sociology" and with the method of historical analysis and qualitative content analysis, we tried to investigate the role of religious missionaries and analyze the content of historical documents, especially announcements, letters and speeches of the religious missionaries. The findings and results of the research show that religious missionaries used the preaching ceremonies and events of Muharram and Ramadan , religious places such as mosques, pulpits and lectures , and issued announcements and declarations applying the valuable elements of Jihad and martyrdom, association and disassociation (Tawalli & Tabarri) , explained to the people the consequences of the "Tobacco contract", including the domination of the infidels and the humiliation of Muslims , and the fact that the contract was against Sharia rules , and ultimately had an effective role in mobilizing valuable resources (loyalties and tasks), and with this action, they provided the ground for the annulment of the (tobacco) contract.

Keywords: Religious propagation, Political mobilization, Tobacco movement, Domination of infidels , Religious missionaries, Religious ceremonies.

1 -Mahdi Abutalebi, Assistant Professor, the Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom,Iran ,abootalebi@iki.ac.ir.

دور الدعوة الدينية في التعبئة السياسية عند ثورة تحريم التبغ

مهدي ابوطالبي^١

القبول: ١٤٤٤/١٢/٢٨

الإستلام: ١٤٤٤/١١/٠٢

من القضايا الهامة المطروحة في السنوات الأخيرة هي علاقة الحوزة العلمية وبشكل خاص المجالس الدينية والدعوة الدينية بالسياسة. يسعى البعض في تصوير أن سيرة الحوزة العلمية والدعاة الدينيين هي فصل هذه المنظمات الدينية عن السياسة. بغية الإجابة عن هذه الشبهة، وفي نطاق دراسة الحالة، قمنا بمعالجة هذا الأمر في ثورة تحريم التبغ ونظرا للقيود المفروضة في كتابة المقال، درسنا هذا السؤال الجزئي وهو أن ما دور الدعوة الدينية في التعبئة السياسية في هذه الثورة. وللإجابة عن هذا السؤال نقوم بدراسة أداء الدعاة الدينيين وتحليل محتوى الوثائق التاريخية لاسيما البيانات، والرسائل ومحاضرات الدعاة الدينيين من خلال نظرية التعبئة السياسية في علم الاجتماع السياسي وعبر المنهج التحليل التاريخي وتحليل المحتوى النوعي. إن الدراسات ونتائج البحث تدلّ على أنّ الداعية الدينية قد بينت إلى الناس مشاكل وتداعيات اتفاقية التبغ نحو سيطرة الكفار وتحقير المسلمين ومخالفتها للحكم الشرعي ولعبت دورا فعالا في تعبئة القوى الملتزمة بالقيم (العهد والواجبات) من خلال المراسيم والمناسبات التبليغية في محرم ورمضان، والأماكن الدينية نحو المساجد والهيئات والمنابر والمحاضرات وإصدار البيان والإعلان الدعوى وباستخدام العناصر القيمة كالجهد والشهادة والتولي والتبري فأدى ذلك إلى توفير الأرضية اللازمة لإلغاء هذه الاتفاقية.

الكلمات المفتاحية: الدعوة الدينية، التعبئة السياسية، ثورة تحريم التبغ، سلطة الكفار، الدعاة الدينيين، المراسيم الدينية.

نقش تبلیغ دینی در بسیج سیاسی در نهضت تحریم تنباکو

مهدی ابوطالبی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶

چکیده

یکی از مباحث مهم سال‌های اخیر، نسبت حوزه‌های علمیه و به طور خاص، نسبت مجالس مذهبی و تبلیغ دینی با سیاست است. برخی تلاش می‌کنند نشان دهند سیره حوزه‌های علمیه و مبلغان دینی، تفکیک این نهادهای دینی از سیاست است. برای پاسخ به این شبهه، در قالب یک مطالعه موردی، این بحث را در نهضت تحریم تنباکو بررسی کردیم و با توجه به محدودیت مقاله، این سؤال جزئی را بررسی کردیم که تبلیغ دینی چه نقشی در بسیج سیاسی در این نهضت داشته است. برای پاسخ به این سؤال، با استفاده از نظریه بسیج سیاسی در جامعه‌شناسی سیاسی و با روش تحلیل تاریخی و تحلیل محتوای کیفی، به بررسی عملکرد مبلغان دینی و تحلیل محتوای اسناد تاریخی به‌ویژه اعلامیه‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های مبلغان مذهبی پرداختیم. بررسی‌ها و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مبلغان دینی با استفاده از مراسم‌ها و مناسبت‌های تبلیغی محرم و رمضان، اماکن مذهبی مثل مساجد و تکایا، منبر و سخنرانی و صدور اعلامیه و بیانیه تبلیغی و با استفاده از عناصر ارزشی جهاد و شهادت، تولی و تبری، مشکلات و پیامدهای قرارداد تنباکو از جمله سلطه کفار و تحقیر مسلمانان و مخالفت قرارداد با احکام شرعی را برای مردم تبیین کردند و نقش مؤثری در بسیج منابع ارزشی (وفاداری‌ها و تکالیف) ایفا کردند و با این کار زمینه لغو قرارداد را فراهم ساختند.

واژگان کلیدی: تبلیغ دینی، بسیج سیاسی، نهضت تحریم تنباکو، سلطه کفار، مبلغان دینی، مراسم مذهبی.

نسبت دین و سیاست و دخالت دین و نهادهای دینی در سیاست از مباحث مهم دوران معاصر، به‌ویژه در جوامع اسلامی است. از دوران نهضت امام خمینی علیه السلام با توجه به رهبری نهضت توسط ایشان و رویکرد دینی نهضت، بروز و ظهور همراهی دین و سیاست گسترش بیشتری پیدا کرد. مواردی مثل حضور روحانیان، عالمان و مبلغان دینی در نهضت، طرح مباحث سیاسی و اعتراضی در محافل و مراسم مذهبی، حضور رسمی هیئات مذهبی در مبارزات سیاسی و استفاده از ظرفیت هیئات و مجالس مذهبی برای مبارزه و مخالفت با رژیم، از نمودهای این بحث بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تشکیل نظام سیاسی دینی، این ارتباط و پیوند گسترش بیشتری پیدا کرد؛ به‌ویژه پیوند زیادی بین مراسم‌های مذهبی و مسائل و مباحث سیاسی شکل گرفت. مخالفان این تفکر تلاش کردند این گونه القا کنند که اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی علیه السلام و این گونه حضور روحانیون و محافل مذهبی در مسائل سیاسی در فضای حوزه‌های علمیه، استثناست و سیره علمای روحانیان سلف این گونه نبوده است. طرح بیشتر این مباحث به حدی رسید که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در برخی سخنان خود، درخصوص خطر سکولاریسم در حوزه‌های علمیه هشدار دادند. یکی از مباحث مهم در این زمینه، بحث فضای تبلیغ دینی و مراسم‌های مذهبی است که برخی تلاش کردند این طور القا کنند که محافل و مراسم مذهبی و مناسبت‌های دینی باید از مسائل سیاسی تفکیک شود و روحانیان و مبلغان دینی باید از طرح مباحث سیاسی در مجالس و منبرهای مذهبی و فضای تبلیغ دینی بپرهیزند؛ زیرا اصل سیره سلف در حوزه تبلیغ دینی همین بوده است. این بحث به طور جدی در بین روحانیان و مبلغان دینی و همچنین عموم مردم به‌ویژه مسئولان و متولیان هیئات مذهبی، در حال گسترش است. با توجه به هشدار رهبری درباره خطر سکولاریسم در حوزه و تأکید اخیر ایشان بر جهاد تبیین، لازم است پاسخ مناسب و اقناعی به این مسئله و شبهه داده شود. یکی از رویکردهای تحقیقی و علمی برای پاسخ به این سؤال، رویکرد تاریخی و بررسی سیره علمای روحانیون گذشته در این زمینه است؛ یعنی در گذشته چه نسبتی بین مباحث سیاسی و فضای تبلیغ دینی و مراسم‌ها و مناسبت‌های مذهبی بوده است. با همین هدف، با توجه به محدودیت این مقاله، یکی از سؤال‌های فرعی این سؤال اصلی را مورد توجه قرار دادیم و به دنبال پاسخ تاریخی به آن هستیم. سؤال این تحقیق آن است که نقش تبلیغ دینی در شکل‌گیری نهضت تحریم تنباکو به‌ویژه در تحریک و تشویق و بسیج مردم برای شرکت در این نهضت به عنوان یکی از نهضت‌های مهم سیاسی در تاریخ معاصر چیست. این بحث در حوزه مباحث

جامعه‌شناسی سیاسی با عنوان بسیج سیاسی مطرح می‌شود؛ لذا برای پاسخ به این سؤال تلاش داریم با استفاده از نظریه جامعه‌شناختی بسیج سیاسی و با روش تحلیل تاریخی و تحلیل محتوای کیفی، به بررسی اسناد و منابع تاریخی و تحلیل محتوای تبلیغی مبلغان دینی در این دوره بپردازیم تا بتوانیم به پاسخ این سؤال برسیم. فرضیه این مقاله هم آن است که در مراحل مختلف بسیج سیاسی در نهضت تحریم تنباکو، مبلغان دینی، محتوای تبلیغی و بسترهای تبلیغ دینی نقشی مهم و اثرگذار داشته‌اند. در مورد نهضت تحریم تنباکو و نقش روحانیت در آن تحقیقات زیادی منتشر شده است و در این گونه آثار به صورت پراکنده نسبت به نقش مراسم‌ها و مناسبت‌های تبلیغی دینی در این نهضت اشاره شده است. اما یک تحقیق منسجم و علمی بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی در مورد نقش تبلیغ دینی در بسیج سیاسی در این نهضت انجام نشده است و نوآوری این تحقیق در دو بخش است: ۱. تمرکز بر بحث نقش تبلیغی دینی؛ ۲. ارائه در قالب نظریه بسیج سیاسی.

الف) چهارچوب نظری بحث

۱. نظریه‌های بسیج منابع

نظریه‌های بسیج منابع^۱ نظریه‌هایی هستند که به تحلیل فرایند جنبش‌های اجتماعی می‌پردازند. یکی از نظریه‌پردازان بسیج منابع آنتونی ابرشال^۲ است که نظریه خود را در کتاب تضاد اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی بیان کرده است (Oberschall, 1973). نظریه پرداز دیگر ویلیام گامسون است که معتقد است گروه‌ها می‌توانند اعضای خود را از طریق ایجاد وفاداری، تعهد و انسجام گروهی کنترل و آنها را در حرکت‌های جمعی بسیج کنند. به علت همین وفاداری و احساس تعهد است که افراد بدون چشمداشت خاص، برای منافع جمعی گروه، فداکاری و ایثار می‌کنند. وی معتقد است: «بسیج فرایندی است که با ایجاد وفاداری اعضا به یک سازمان یا رهبر، آمادگی گروه برای عمل جمعی را افزایش می‌دهد (Gamson, 1975, p.15). مهم‌ترین نظریه‌پرداز بسیج منابع چارلز تیلی^۳ است که نظریه بسیج منابع را به طور کامل‌تر تدوین و ارائه کرده است (پناهی، ۱۳۸۹،

1. Resource Mobilization.
2. Anthony Oberschall.
3. Charls Tilly.

ص ۳۳۳-۳۳۶).

۲. نظریه بسیج منابع چارلز تیلی

از نظر چارلز تیلی «بسیج» به شکل متعارف معرفی‌کننده فرایندی است که به واسطه آن، گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد، به مشارکت‌کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شود. می‌توان گفت بسیج به معنای فعال‌شدن از نظر سیاسی و کاربرد منابع قدرت گروه در جهت اهدافی است که به وسیله ایدئولوژی آن تعیین می‌شود. منابعی که در فرایند بسیج گردآوری می‌شوند، شامل منابع وسایل اجبار - مثل سلاح و فناوری‌ها - و منابع اقتصادی و منابع ارزشی - وفاداری عقیدتی و تکالیف - هستند (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵).

«الگوی بسیج»^۱ چارلز تیلی چگونگی نقش‌آفرینی یک گروه مدعی در صحنه سیاسی جامعه است. ابتدا باید اعضای گروه به وضعیت گروه در جامعه و منابع خود آگاهی پیدا کنند، سپس نسبت به گروه و منابع گروه احساس مسئولیت و تعهد خواهند کرد و از طریق برقراری ارتباط و تشکیل جلسات و صحبت با یکدیگر، سازمان شکل می‌گیرد. پس از شکل‌گیری سازمان، یک گروه برای تحقق اهداف خود، در پی گسترش سازمان و اعضای خود، بسیج منابع و استفاده از فرصت‌های موجود برای کنش جمعی خواهد بود (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۹۵).

میزان سازمان‌یافتگی گروه بسیج‌گر در کار بسیج، سخت مؤثر است. هرچه روابط درونی و فرهنگ مشترک در داخل گروه بسیج‌گر گسترده‌تر باشد، احتمال پیروزی آن بیشتر است؛ زیرا ارتباطات و فرهنگ مشترک موجب پذیرش تعبیری یکسان نسبت به امور مورد نظر می‌شود (بشیریه، ۱۳۷۲، ص ۸۰).

۲-۱. عمل‌گرایی و شور و احساس در ایدئولوژی

بسیج سیاسی نیازمند سبب‌ها و شعارهایی است که به وسیله ایدئولوژی بسیج تأمین می‌گردند. ایدئولوژی‌های انقلابی، هرچند بر اساس دستگاه‌های فکری و فلسفی بنا شده باشند، اساساً در پی دستیابی به نتایج عملی‌اند. برخی تحلیلگران ایدئولوژی انقلابی، قدرت انگیزش ایدئولوژی انقلابی را ناشی از خصلت افسانه‌پرداز آن می‌دانند. به نظر سورل اعتقاد نمی‌تواند توده‌هایی عظیم را به جنبش وادارد؛ اما ایدئولوژی انقلابی از آنجا که مایه اصلی اش افسانه است،

1. Mobilization model.

شور و احساس و تصمیم به عمل برمی‌انگیزد (بشیریه، ۱۳۷۲، ص ۸۱، به نقل از: Sorel, 1950). البته این نکته شایان ذکر است که در ایدئولوژی‌های اسلامی، عقلانیت به طور کامل وجود دارد و مبتنی بر این عقلانیت، شور و احساس و تصمیم بر عمل را برمی‌انگیزد و به جای افسانه، از واقعیت‌های تاریخی که رخ داده است، برای ایجاد این شور مبتنی بر عقلانیت استفاده می‌کند. مثل وقایع عاشورا و تمثیل‌های تاریخی.

مرسیا الیاد ایدئولوژی‌های انقلابی را تداوم افسانه‌های کهن می‌داند. به گمان او مثلاً کارل مارکس «یکی از افسانه‌های بزرگ خاورمیانه و تمدن مدیترانه‌ای یعنی نقش‌رهایی‌بخش شخصیت عدالت‌گستر آینده («انسان برگزیده»، «مسیح»، «معصوم»، «مبشران» و امروزه هم «پرولتاریا») را به کار گرفت (بشیریه، ۱۳۷۲، ص ۸۱، به نقل از: M. Eliadeh. Mythes, Dreams and Mysteries, 1967, p.25). ایدئولوژی‌های انقلابی معمولاً دارای دیدگاهی دراماتیک نسبت به واقعیت‌اند و نیکی و بدی و حق و ناحق را به آسانی مشخص می‌کنند (بشیریه، ۱۳۷۲، ص ۸۱). البته در نگاه دینی، چه نگاه تشیع و چه سایر ادیان، بحث انسان برگزیده یا موعود یا مسیح یا معصوم علیه السلام افسانه نیست و امری حقیقی است که به صورت عینی تجلی پیدا خواهد کرد؛ همچنین در نگاه اسلامی و شیعی، معیارهای روشنی برای حق و باطل یا معروف و منکر وجود دارد که می‌تواند شناخت حق از باطل و نیکی از بدی را محقق کند.

۲-۲. نقش ایدئولوژی در بسیج انقلابی

ایدئولوژی نقش عمده‌ای در بسیج انقلابی دارد. ایدئولوژی بسیج چند کارویژه اساسی دارد:

۱. نکوهش وضع موجود و یافتن ریشه‌های نابسامانی و ناروایی متصور. ایدئولوژی بسیج معمولاً تعبیری ساده و عامه‌فهم از دشواری‌های موجود عرضه می‌کند و برای رفع آنها راه‌حل‌های عملی پیش می‌نهد؛

۲. بسیج ترسیم وضع مطلوب و تعیین اهداف غایی جنبش و وسایل دستیابی به آنها؛

۳. بسیج عرضه تبیین تازه‌ای از تاریخ به سود جنبش و ستایش از گذشته آن؛ در نتیجه وضع موجود وضعی منسوخ اعلام می‌شود که پاسداران آن باید به زباله‌دان تاریخ افکنده شوند (بشیریه، ۱۳۷۲، ص ۸۲).

ایدئولوژی بسیج وقتی به صورت ایدئولوژی کل جامعه پذیرفته و ظاهر شود، توانایی همگانی پیدا می‌کند. گروه‌های بسیج‌گر بر اساس مفاهیم اخلاقی حق و ناحق به بسیج می‌پردازند (بشیریه،

۱۳۷۲، ص ۸۳) و می‌توان از اندیشه‌های سنتی و مذهبی برای بسیج انقلابی بهره برد (بشیریه، ۱۳۷۲، ص ۸۷).

۲-۳. انواع رهبران انقلابی

پژوهشگران جنبش‌های انقلابی رهبران انقلاب را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: رهبران فکری یا ایدئولوژی پرداز؛ رهبران بسیج‌گر؛ رهبران سیاست‌گذار و مدیر.

رهبران فکری اصول و زمینه عقیدتی پیدایش جنبش انقلابی را فراهم می‌کنند؛ رهبران بسیج‌گر با راه‌انداختن جنبش انقلابی قدرت را به دست می‌آورند و رهبران مدیر مبنای قدرت انقلابی را تحکیم می‌بخشند.

رهبران بسیج‌گر دارای مهارت در تحریک مردم به عمل سیاسی‌اند. سلاح آنها زبان و نطق و بیان است که به وسیله آن، اصول ایدئولوژی انقلاب را ساده و عامه‌فهم می‌سازند (بشیریه، ۱۳۷۲، ص ۹۲).

به طور خلاصه می‌توان گفت که چهارچوب نظری بحث این است که بسیج سیاسی نیازمند ایدئولوژی انقلابی است و طبق فرایند زیر صورت می‌گیرد:

۱. شکل‌گیری ایدئولوژی براساس دستگاه‌های فکری و فلسفی؛
۲. بیان اصول و زمینه عقیدتی پیدایش جنبش توسط رهبران فکری؛
۳. ساده و عامه‌فهم کردن اصول ایدئولوژی انقلاب با سلاح زبان و بیان توسط رهبران بسیج‌گر؛
۴. نكوهش وضع موجود و ارائه راه‌حل برای رسیدن به وضع مطلوب؛
۵. استفاده از ایدئولوژی در ایجاد شور و احساس برای تصمیم به عمل توسط رهبران بسیج‌گر؛
۶. عمومی‌شدن و پذیرش ایدئولوژی به عنوان ایدئولوژی کل جامعه.

ب) چهارچوب مفهومی (مفهوم تبلیغ و تبلیغ دینی)

تبلیغ از لحاظ لغوی از ریشه «بلغ» است در باب تفعیل که به معنای خبردادن، اعلام، ابلاغ، انداز و اخطار آمده است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۷). البته در تبلیغ، رساندن یک خبر و پیام مورد نظر است (رهبر، ۱۳۹۱، ص ۸۰). در فرهنگ دهخدا نیز آمده است: «تبلیغ یعنی رساندن، خواندن کسی به دینی، عقیده‌ای، مذهبی، مسلکی و روشی، کشیدن کسی به راهی که تبلیغ‌کننده قصد دارد» (دهخدا، ۱۳۳۷، ص ۲۹). درگذشته تبلیغ دینی از طریق ابزارهای مختلفی مثل خطابه و

سخنرانی، نامه، اعلامیه و بیانیه بود. در این مقاله نیز چون محدوده تحقیق دوره قاجاریه است، طبعاً مراد از تبلیغ، فعالیت مبلغان دینی از همین راه‌هاست.

ج) مراحل بسیج سیاسی در نهضت تحریم تنباکو از طریق تبلیغ دینی

۱. ایجاد اصول و زمینه عقیدتی پیدایش جنبش توسط رهبری فکری

همان طور که بیان شد، جنبش‌های سیاسی - اجتماعی برای هدایت جنبش و از جمله بسیج سیاسی، نیازمند رهبری‌اند. رهبری در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی تا مرحله پیروزی نهضت دو دسته است:

۱. رهبران فکری که اصول و زمینه عقیدتی پیدایش جنبش انقلابی را فراهم می‌کنند.

۲. رهبران بسیج‌گر که با راه‌انداختن جنبش انقلابی قدرت را به دست می‌آورند.

۱۰۱

رهبری فکری برای ایجاد اصول و زمینه‌های عقیدتی در نهضت تحریم تنباکو با میرزای شیرازی، مرجع بزرگ شیعه، در سامراست. میرزا هم سال‌ها قبل از نهضت تحریم تنباکو و هم در زمان نهضت، با صدور فتاوا و اعلامیه‌های خود، اصول و زمینه عقیدتی لازم برای پیدایش نهضت را فراهم کرده بود.

از آنجا که به طور کلی عصر میرزای شیرازی «دوران هجوم اقتصادی» استعمار، خاصه انگلستان است، ایشان سه سال قبل از حکم تحریم تنباکو، فتوایی در جهت مقابله با «بازار خرید ساختن» ایران برای کشورهای غربی و اجانب صادر کرده بود (رجبی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۲۵). این فتوا که در آن مقابله شرعی با سلطه‌جویی اقتصادی اجانب و وجوب مبارزه با «مصرف» اجناس وارده از بلاد کفر به محروم‌سازی ایران به روشنی برای همه مؤمنان به اسلام و تشیع در ایران «مطرح» می‌شود، درحقیقت موجبات افزایش «رشد ادراک عمومی» از خطر استیلای اقتصادی اجنبی را فراهم کرده و انگیزه پایدار و مناسبی برای «اندیشیدن مردم» به وجود آورده است (نجفی و حقانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۱).

مرحوم میرزای شیرازی در اقدامات خود برای مقابله با این قرارداد، به مشکلات مذهبی قرارداد از جمله بحث سلطه کفار اشاره می‌کنند و این نکته را دلیل خود برای لغو قرارداد می‌دانند. ایشان در تلگراف‌های خود به ناصرالدین‌شاه به این مطلب تصریح دارند که «اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت» و همچنین «مخالطه و تودد آنها با مسلمین»، یعنی معاشرت مسلمانان با

کفار و برقراری ارتباط دوستی و صمیمی با آنها، «منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه» بوده و «موهن استقلال دولت و منحل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت است» و عدم توجه به مفاسد آن، «خلاف رعایت حقوق دین و دولت» و «منافی رعایت حقوق اسلام» است. ایشان معتقدند این امتیازات موجب می شود مسلمانان «مسلوب الاختیار و مقهور کفار باشند». به باور ایشان همچنین سلطه کفار بر مسائل معیشتی و اقتصادی مسلمانان باعث می شود مسلمانان «به خوف یا رغبت، ذلت نوکری آنها اختیار نمایند و کم کم بیشتر منکرات، شایع و متظاهر شود و رفته رفته عقایدشان فاسد و شریعت اسلام مختل النظام گشته و خلق ایران به کفر قدیم خود برگردند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹، ص ۷۸۰).

ایشان همچنین در حکم معروف خود که استعمال تنباکو را در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام دانستند، به لزوم پرهیز از مقابله و مخالفت و محاربه با امام زمان علیه السلام اشاره می کنند. ایشان با این کار، در کنار تبیین مخالفت قرارداد با ثقل اکبر یعنی قرآن، به مخالفت آن با ثقل اصغر یعنی عترت هم اشاره می کنند؛ لذا تأثیر این نگاه در بیانیه های اعتراضی مردم به وضوح دیده می شود. در یکی از گزارش های تاریخی آمده است که «لحن سنتی - مذهبی عرض حالی که در تبریز دست به دست می گشت، جالب توجه است. عرض حال با این مطلب آغاز می شود که پس از آنکه محمد صلی الله علیه و آله کلام خدا را ابلاغ کرد، به امت گفت که وی دو حقیقت مقدس به آنان ارزانی داشته است: قرآن و عترتش را و گفت: شما هر دو را احترام خواهید کرد و بی هیچ تحریفی از آنها اطاعت خواهید نمود (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۹۹). میرزای شیرازی با این نوع بیانیه ها و نامه ها، اصول عقیدتی جنبش را به شرح زیر مشخص می کنند:

۱. تقید به دستوره های قرآن و عترت: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا».
۲. اصل «نفی سبیل» یا سلطه کفار: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱).
۳. اصل عدم مودت و دوستی با کفار: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (مجادله، ۲۲).
۴. اصل حفظ عزت مسلمین: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيتَهُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء، ۱۳۹) و «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸).

۲. گسترش ایدئولوژی با سلاح نطق و بیان رهبران بسیج‌گر از طریق تبلیغ دینی

دسته دوم رهبران در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی، رهبران بسیج‌گرند که با سلاح نطق و بیان خود، اصول ایدئولوژی انقلاب را ساده و عامه‌فهم می‌کنند. در جریان نهضت تحریم تنباکو، دسته دوم رهبران، روحانیون و مبلغان دینی بودند که از طرق مختلف در فضای تبلیغ دینی مثل اعلامیه، بیانیه، نامه، منبر و سخنرانی به تبیین اصول مطرح‌شده توسط میرزای شیرازی می‌پردازند و مردم را برای جنبش سیاسی - اجتماعی آماده می‌کنند. نماینده انگلیس در تبریز علت گسترش شعله اعتراضات در تبریز را نامه‌ها و بیانیه‌های ارسالی مجتهدان و مبلغان دینی از تهران و جنوب به تبریز می‌داند (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۹۸). درباره تأثیر منبر و خطابه و نقش مبلغان دینی در گسترش ایدئولوژی، این نکته محقق آمریکایی جالب توجه است: «از آنجا که پیشوایان روحانی بهترین خطیبان هر شهری بودند، بازرگانان و توتون‌کاران ناراضی به آنها روی می‌آوردند» (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۸).

در اصفهان هم دو بار تظاهرات بزرگی به رهبری آیت‌الله آقاجانی اصفهانی و برادرش، شیخ محمدعلی، بر پا شد و در این تظاهرات شیخ محمدعلی خواستار تحریم بنگاه‌های انگلیسی شد و سپس آقاجانی به موعظه پرداخت و توتون و تنباکو را همانند کارمندان و گماشتگان اروپاییان، شرعاً نجس اعلام کرد. همچنین اعلامیه‌هایی به امضای آقاجانی به دیوارها نصب شد که در آن اعلام شده بود مردم به کارمندان رژی اجازه ورود به اماکن عمومی ندهند (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۱۲۴-۱۲۵).

۲-۱. استفاده از ظرفیت منبر و سخنرانی در مساجد و اماکن مذهبی

وقتی خبر ورود اعضای شرکت رژی به شیراز، در میان مردم پخش شد، مردم برای دادخواهی و شکایت به ملجأ اجتماعی رایج خود یعنی علما رجوع کردند. آیت‌الله سیدعلی اکبر فال اسیری که طبق نقل‌ها به دلیل «شجاعت و قوه بیانش، در بین علمای شیراز معروفیتی را دارا بود» به منبر رفته، سخنرانی مهمی علیه دولت و صاحب امتیاز نمود و در پایان شمشیری از زیر عبا درآورده و مردم را دعوت به جهاد می‌کند (تیموری، بی تا، ص ۶۹).

در گزارشی که ظل‌السلطان برای شاه فرستاده، به اقدامات علمای اصفهان از طریق منبر و سخنرانی برای مقابله با قرارداد رژی اشاره می‌کند و می‌نویسد: این غلام [ظل‌السلطان] نمی‌دانست

در منبر و مسجد و خانه‌شان چه می‌گویند و در مجلس درس چه مذاکره می‌نمایند. در این سه جا، کشیدن قلیان را حرام و کشت و زرع تنباکو را حرام آندر حرام و حامی فرنگی را «کافر و واجب القتل» و نوکر و بستگان آنها را «نجس العین» اعلان کرده‌اند. (صفایی، ۱۳۵۳، ص ۲۲-۲۳). نیکی کدی در مورد وقایع تبریز می‌نویسد: «جنبش اعتراضی تبریز با سخنان تهدیدآمیزی که در مساجد بر سر منبر گفته می‌شد و تلگراف‌های تهدیدآمیز و عرض حال‌های دسته‌جمعی که برای ناصرالدین‌شاه فرستاده می‌شد، همچنان در ماه اوت گسترش یافت» (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۹۷). بر همین اساس، گزارش شده است که یکی از مجتهدان تبریز برای اعلام اعتراض خود به قرارداد رژی، در یکی از مساجد منبر رفته و ضمن سخنان خود گفته است: کافران به اینجا آمده‌اند تا در تجارت تنباکو دخالت کنند و هر مسلمانی که به آنها بپیوندد، کافر است و خونش حلال (لمبتون، ۱۳۶۳، ص ۲۶۶). برای جلوگیری از انحرافات در نهضت هم جایگاه مبلغان دینی، جایگاه مهمی است که از آن برای آگاهی‌سازی مردم استفاده شود. وقتی شایعه‌ای در تهران مبنی بر حکم جهاد میرزای شیرازی منتشر می‌شود نیز مرحوم آشتیانی برای مقابله با این شایعه، همه علمایی را که اهل محراب و منبر بودند، جمع کرده و از آنها می‌خواهند که در مساجد و معابر در این رابطه روشنگری و مردم را آگاه کنند (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۰).

گزارش‌ها نشان می‌دهد در این دوره بحث خطر استیلاي اقتصادی اجنبی و ضررهای خطر روابط اقتصادی یک‌طرفه، نقل مساجد و محافل مؤمنان و دستمایه جنبه‌های اجتماعی و سیاسی سخنرانی‌های مذهبی خطبا و وعظ شده است. دو دستخط از ناصرالدین‌شاه در دست است که حاکی از ناراضیاتی از دخالت مبلغان و سخنرانان مذهبی در این موضوع و طرح این گونه مباحث توسط آنهاست:

این حاجی مُلافیض‌الله در بندی و مردیکه سفیه و بی‌معنی است، تمام اوقات رمضان و محرم و غیره را در منبر به جز فضولی و حرف مفت زدن، کار دیگری ندارد و تکلیف وعظ خود را به نامربوط‌گفتن و حرف‌های دولتی زدن قرار داده است. فوراً او را از تهران اخراج کرده، به همان دربند قفقاز که وطن اصلی اوست، برود (نجفی و حقانی، ۱۳۸۱، ص ۸۲).

درباره وعظ دیگری به نام ملابافر واعظ در دستخط دیگری با کلمات مستهجنی که نمودار عصبانیت شاه است، می‌نویسد: به او بگو: ای...، تو واعظ هستی. روی منبر روضه بخوان. چه کار داری از تکیه دولت حرفی بزنی؟ اگر یک دفعه دیگر شنیده شود غیر از وعظ و روضه‌خوانی، در مجلس حرفی زده‌ای، پدرت را آتش زده، از ایران خارجت خواهند کرد (نجفی و حقانی، ۱۳۸۱،

ص ۸۲).

بعد از صدور اعلامیه منع خرید و فروش تنباکو به غیر از شرکت انگلیسی، انگلیسی‌ها با حضور سایر اتباع خارجی جشن و مهمانی می‌گیرند و به شادی می‌پردازند. بعد از این اتفاق، در مساجد و مجامع این خبر را منتشر کرده و نسبت به آن اعتراض کردند (تیموری، بی‌تا، ص ۱۰۰-۱۰۱). در مشهد نیز عده کثیری از مردم معترض در مسجد گوهرشاد تحصن کردند و تمام شب را با همراهی روحانیون و مبلغان دینی که برای ایشان سخنرانی می‌کردند، در مسجد گذراندند و به سرعت اغتشاشات تمام شهر را فراگرفت (نیکویی، ۱۳۵۸، ص ۱۲۰).

۲-۲. تلاش مبلغان و سخنرانان مذهبی در ایام تبلیغی محرم و رمضان

تقارن ایام قیام مردم در مقابله با قرارداد رژیمی، با مناسبت‌های مذهبی مثل محرم و رمضان نیز به دلیل طرح مباحث مربوط به نهضت و تبیین اصول عقیدتی آن و بسیج عمومی مردم در منبر و سخنرانی‌های مذهبی این ایام، در تشدید حرکت‌های مردمی تأثیرگذار بوده است. لمبتون در توصیف وقایع تبریز می‌نویسد: «واقعیت این است که در همان زمان، ماه محرم رسیده بود و چنین می‌نمود که هیجان ایام محرم، مخالفت با شرکت رژیمی را تشدید کرده باشد» (لمبتون، ۱۳۶۳، ص ۲۶۶). همچنین در رمضان ۱۳۰۸ در گزارش کارمند سفارت انگلیس به استفاده‌ی علما از فضای ماه رمضان برای مقابله با امتیاز تنباکو و تشدید هیجان عمومی تحت تأثیر این مجالس می‌نویسد: «این وقایع چنان‌که تصور هم می‌رود، هیجان بسیاری ایجاد کرده است؛ به‌خصوص از این جهت که وقوع آنها مصادف با ماه رمضان بوده است... ملایان متعصب که با استفاده از ماه رمضان همه جا به مخالفت با سپردن سرنوشت مسلمانان به دست کفار از بالای منبر سخن می‌رانند» (نیکویی، ۱۳۵۸، ص ۷۲-۷۳).

ابراهیم تیموری نیز در کتاب خود به فعالیت مبلغان دینی برای تحریک و تشجیع مردم، از طریق سخنرانی در مساجد و خانه‌های مردم علیه دربار اشاره می‌کند (تیموری، بی‌تا، ص ۸۴-۸۵).

۲-۳. تبیین اصول حاکم بر دستگاه فکری و فلسفی ایدئولوژی توسط مبلغان دینی

۲-۳-۱. نکوهش وضع موجود به دلیل بحث سلطه کفار

یکی از مراحل لازم برای بسیج سیاسی، نکوهش وضع موجود و نشان‌دادن بحران است. این

اقدام را نیز مبلغان دینی در این نهضت انجام دادند. مبلغان دینی در این مقطع تاریخی از طریق ابزارهای مختلف تبلیغ دینی، مثل صدور بیانیه، انتشار نامه و سخنرانی، بحث سلطه کفار و تحقیر مسلمانان، ناشی از امتیاز انحصاری توتون و تنباکو به انگلستان را مطرح و به قشرهای مختلف جامعه ابلاغ می‌کردند. این کار موجب توجه مردم به بحرانی بودن وضع موجود و بسیج کردن منابع ارزشی، در قالب توجه‌دادن به تکلیف شرعی مردم به ضرورت مقابله با این حرام الهی و جلب وفاداری مردم به حضور در نهضت و تلاش برای مقابله با این قرارداد شده است. در همین دوره یکی از علمای تهران در مقاله‌ای که درباره عدم مشروعیت قرارداد تنباکو نوشته است، ضمن اشاره به مخارج سنگینی که کمپانی رژی برای ساخت ساختمان و برج و باروهای خاص به عنوان مراکز نمایندگی کمپانی می‌کند، این احتمال را مطرح می‌کند که دولت انگلیس پشت سر شخص صاحب امتیاز تنباکوست و این اقدامات برای ایجاد سلطه بر نقاط مختلف و مهم کشور است. وی در ادامه مطالب خود به بحث سلطه سیاسی اشاره می‌کند و می‌نویسد:

حفظ اسلام موقوف به عدم استیلاي کفار است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». دادن توتون و تنباکو به دست کفار، مثل سایر چیزها، سبب استیلا و رخنه و کثرت ازدحام آنهاست و بالمآل سلطنت شیعه به یدِ بدِ آنان قرار خواهد گرفت... و حفظ بیضه اسلام داخل در اصول و فرایض عینیه است (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۸).

در گزارش کندی، کارمند سفارت انگلیس، در مورد بیان بحث سلطه کفار توسط سخنرانان در منبرهای ماه رمضان، آمده است: «ملایان متعصب که با استفاده از ماه رمضان همه جا به مخالفت با سپردن سرنوشت مسلمانان به کفار از بالای منبر سخن می‌رانند و می‌گویند که امتیاز انواع تجارت، معادن، بانک، تنباکو و راه‌ها به اروپاییان فروخته شده و آنان به تدریج املاک مزروعی و حتی زنان مسلمان را به چنگ خواهند آورد» (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۷۳).

۲-۳-۲. نکوهش وضع موجود با طرح مخالفت قرارداد با احکام اقتصادی

یکی دیگر از اقدامات تبلیغی این دوره برای نکوهش وضع موجود و توجه‌دادن به تکلیف شرعی مردم برای مقابله با قرارداد و جلب وفاداری مردم، اشاره به مشکلات شرعی ایجادشده برای قشرهای مختلف مردم در معاملات اقتصادی است. یکی از مشکلات این قرارداد که ناشی از اعطای امتیاز انحصاری به شرکت رژی بود، این بود که مردم به طور کلی باید فقط اجناس خود را به کمپانی رژی می‌فروختند و حق نداشتند هیچ گونه معامله‌ای با غیر از کمپانی داشته باشند. علمای تهران در واکنش به تعبیر «منوپل» (امتیاز انحصاری) در قرارداد، به تنافی این قرارداد با

قاعده اسلامی «الْتَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلٰی اَمْوَالِهِمْ» اشاره دارند: «بر اساس قاعده» [الْتَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلٰی اَمْوَالِهِمْ] در شریعت اسلام، مالک در مال خود صاحب اختیار است. مالک را از هیچ رو بر مالش جبر و قهر نتوان نمود» (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵).

در عرض حالی که به عنوان یک بیانیه در تبریز در میان مردم دست به دست می‌گشت نیز به مشکل شرعی دیگر این قرارداد یعنی حرمت معامله بدون رضایت فروشنده، این گونه اشاره شده است: «از آنجا که رضایت فروشنده [تنباکو] وجود نخواهد داشت، به حکم قرآن، کلیه معاملاتی که از آن ناشی شود، حرام خواهد بود» (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۱۰۰).

لمبتون به نقل از پاتون به همین عرض حال مردم تبریز اشاره می‌کند و در مورد محتوایش می‌نویسد: «[آنها معتقدند] تمام این کارها علیه مذهب آنهاست و نتیجه این خواهد بود که انگلستان همان طوری که در مصر «فَعَالٍ مَا يَشَاءُ» است، در اینجا هم خواهد بود» (لمبتون، ۱۳۶۳، ۲۶۷).

بیان این نوع نکات و تأکید بر آن در قالب‌های مختلف تبلیغ دینی در این مقطع، یکی از عوامل مؤثر بر بسیج منابع ارزشی در قالب بیان تکالیف و جلب وفاداری قشرهای مختلف جامعه به نهضت است.

۲-۴. خواندن حکم میرزا به عنوان راه‌حل و تبلیغ آن توسط مبلغان دینی

بعد از صدور حکم معروف میرزای شیرازی، یکی از اقدامات رهبران بسیج‌گر نهضت، تبلیغ حکم میرزا از طریق ابزارها و شرایط مهیای تبلیغ دینی است. در گزارش تاریخی آمده است که همان نصف روز اول، صدهزار نسخه از فتوای میرزا در تهران و دهات اطراف منتشر شد (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸).

طبق گزارش‌های تاریخی با صدور حکم میرزا و ارسال آن از طریق پست برای میرزا حسن آشتیانی در تمام بازار و مجامع و مساجد، وعاظ و خطبا به صدای بلند آن را می‌خواندند و مردم را به تبعیت از آن تشویق می‌کردند؛ همچنین از طرف علما این حکم به تمام شهرهای ایران مخابره شد و همه جا تقریباً همین وضع تهران را داشت (تیموری، بی‌تا، ص ۱۰۳-۱۰۴). در گزارشی از اوضاع اصفهان در تاریخ ۱۹ ربیع‌الثانی این گونه آمده است:

آقاجفی و شیخ محمدعلی اعلانات چندی درب مساجد و معابر چسبانیده، استعمال تنباکو را حرام و حمایت‌کنندگان فرنگی را مرتد و عمه‌جات دخانیات را نجس خوانده... (صفایی، ۱۳۵۵،

ص ۴۱). شیخ حسن کربلایی در گزارشی در این زمینه می‌نویسد: «صورت توقیع مبارک را در تمامی بازارها و مساجد و مجامع و سرگذرها به صداهاى خیلی بلند بر مسلمانان خواندند (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷).

۲-۵. تبیین جایگاه میرزا به عنوان نایب امام عصر (عج) و لزوم تبعیت مجتهدان از ایشان

همان طور که عرض شد، یکی از اصول عقیدتی نهضت، لزوم تبعیت از عترت و ائمه معصومین علیهم‌السلام است. یکی از اقدامات مبلغان دینی برای آگاهی بخشی به مردم درباره این اصل عقیدتی جنبش، تبیین جایگاه میرزای شیرازی به عنوان نایب امام عصر (عج) و لزوم تبعیت از ایشان بر همین اساس است. کربلایی در رساله تاریخ دخانیه با اشاره به جایگاه مذهبی و اجتماعی علما در بین مردم می‌نویسد:

نظر به اینکه این منصب بزرگ سرحداری اسلام و دین، مرتبه جلیله نیابت امام (علیه‌الصلاة والسلام) امروزه در زیر این آسمان و در روی زمین، همان شخص یگانه جنابشان را مسلم آفاق است و بس، نظر به این مقدمات محکمه مسلمة، حضرتشان را حتم و لازم افتاد که فریادرسی اسلام و اسلامیان را جلوگیری از این فتنه عظماء... فرمایند (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۸۷).

سیدجمال نیز در نامه مشهور خود به میرزای شیرازی به بحث نیابت ایشان از امام زمان علیه‌السلام و نصب عام فقیه از جانب خداوند متعال اشاره می‌کند و به همین دلیل معتقد است میرزا وظیفه دارد در رابطه با مسئله تنباکو اقدام کند (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۸۵-۸۷). در عریضه تشکرآمیزی که ایرانیان خارج از کشور برای مرحوم میرزای شیرازی فرستادند نیز از تعبیر «نایب الائمة المعصومین علیهم‌السلام» استفاده کردند (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۸). در تلگرافی که از سوی علمای تهران برای مرحوم میرزا جهت آگاهی ایشان از اوضاع تهران ارسال شده نیز به نیابت ایشان از امام زمان علیه‌السلام اشاره شده و چنین آمده است (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۷). در تعبیرات امین‌السلطان، صدراعظم ناصرالدین‌شاه نیز سخنی مبنی بر نیابت میرزا از ائمه معصومین علیهم‌السلام وجود دارد (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۳).

در همین راستا از اقدامات علما و مبلغان دینی، تبیین ماهیت حکم میرزا به عنوان حکم حاکم شرع و تأکید بر لزوم تبعیت همه از مرجع و مجتهد و مقلد از این حکم است. در بیانیه‌ای که توسط آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری صادر شده است، بر این نکته تصریح شده است که حکم میرزای

شیرازی حکم ولایی است و صرفاً فتوا نیست که مختص مقلدین ایشان باشد. (رجبی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۵۷). علمای تهران نیز در جلسه‌ای که با نمایندگان دولت در رابطه با حکم میرزا و جریان تنباکو داشتند، وقتی وزیر اعظم به ایشان اعلام کرد که ناصرالدین شاه گفته تغییر و تبدیل این قرارداد ممکن نیست، شما علما باید فکر دیگری بنمایید، در جواب گفتند:

از جانب رفیع الجوانب، حضرت حجت الاسلام که نایب الامام و حکم جنابشان درباره مجتهد و مقلد نافذ و واجب الاتباع است، در «سُرَّ مَنْ رَأَى» حکمی به منع استعمال دخانیات به تفصیلی که می‌دانید، شرف صدور یافته و... ما نیز در این خصوص، مثل آحاد مردم، اطاعت نمودیم (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۶).

بعد از صدور حکم میرزا، وقتی مقلدان مرحوم مازندرانی از ایشان این گونه سؤال می‌کنند که «وظیفه ما که مقلد شما هستیم چیست؟»، ایشان با اخلاصی که خاص علمای باتقوای شیعه است، اظهار می‌دارد: «هرچه میرزای شیرازی امر فرموده، برای همه ما مطاع است» (نجفی و حقانی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۱).

۲-۶. ایجاد شور و احساس برای تصمیم به عمل برای رسیدن به وضع مطلوب

همان طور که در بحث نظری این تحقیق بیان شد، در استفاده از ایدئولوژی‌های انقلابی برای بسیج سیاسی در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی برای دستیابی به نتایج عملی، از ایدئولوژی که مبتنی بر دستگاه فکری و فلسفی است، برای ایجاد شور و احساس برای تصمیم به عمل استفاده می‌شود. در نهضت تحریم تنباکو نیز طبیعتاً این اقدام لازم و ضروری بوده و این مرحله از بسیج سیاسی از طریق ایدئولوژی را نیز مبلغان دینی بر اساس استفاده از دو عنصر عقیدتی «تولی و تبری» انجام داده‌اند.

۲-۶-۱. ایجاد حس برائت از دشمن

در مباحث علم النفس و مباحث روان‌شناسی بر این امر تأکید شده است که شکل‌گیری هر رفتاری مبتنی بر دو عامل «آگاهی و شناخت» و «عاطفه و احساس» است. در تحولات سیاسی - اجتماعی و جنبش‌های بزرگ اجتماعی نیز این قاعده جاری است؛ یعنی برای شکل‌گیری یک رفتار عمیق سیاسی، مثل نهضت تحریم تنباکو به دو رکن «افزایش اطلاعات و آگاهی مردم» و «برانگیختن احساسات و عواطف آنها» نیاز داریم. به تعبیر یکی از محققان در جامعه شیعه ایرانی یکی از لوازم تحقق یک حرکت اجتماعی، نسبت آن با عناصر انگیزشی مثل «تبری و تولی» است

(نجفی و حقانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴). یکی از اقدامات مهم در نهضت تحریم تنباکو در راستای ایجاد شور و احساس برای تصمیم به عمل که از لوازم نقش ایدئولوژی در بسیج سیاسی است، تلاش برای «افزایش روحیه احساس دشمنی با دشمنان خدا و خلق خدا» است. این اقدام توسط مبلغان دینی انجام شد. بعد از آنکه میرزای شیرازی در فتوای خود در سال ۱۳۰۶ پایه و اساس جریان «شناساندن دشمن» را با فتوای خود درباره «ترتب مفاسد بر حمل اجناس از بلاد کفر» بنا کردند و به اطلاع مقلدان خود رساندند و فرمودند که این امر «مایه خرابی دین و دنیای مسلمین است»، بلکه موضوع را برای مردم «بلا» معرفی کردند، تخم نفرت و برائت از «اجنبی مهاجم» را در دل «مسلمین» کاشتند و این بذر را مبلغان دینی در هر فرصت مناسب آبیاری کرده و پرورش دادند و این بذر خیلی زود در مرحله به ثمر رسیدن «نهضت تحریم تنباکو» محور اصلی «عواطف ملی» قرار گرفته است (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۴-۱۸۵). گزارش نماینده انگلیس به وضوح حاکی از ایجاد چنین حسی در جریان نهضت تحریم تنباکو در میان مردم ایران است:

اکنون به هرتقدیر، مردم با بدگمانی چنین می‌اندیشند که انگلیسی‌ها درصددند روموشان و سپس رفته‌رفته خودشان [را] به شیوه‌ای زیرکانه بر آنان تحمیل کنند و چنین می‌نماید که عقیده آنها نسبت به انگلیسی‌ها تغییر فاحشی یافته باشد و هر نوع نسبت پستی به آنان داده شود... ظاهراً مردم تا وقتی از جانب مجتهدان حمایت می‌شوند، هیچ‌واهمه‌ای از ناصرالدین‌شاه ندارند (نیکو، ۱۳۵۸، ص ۱۰۷).

۲-۶-۲. پیوند نهضت با ولایت اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه امام زمان علیه‌السلام

بعد دیگر در بحث برانگیختن عواطف و احساسات برای ایجاد یک جنبش عظیم اجتماعی، توجه‌دادن به عنصر تولی است. ادبیات حاکم بر حکم تحریم میرزای شیرازی در همین جهت است. مرحوم میرزای شیرازی در متن حکم خود، به جای استفاده از واژه «حرام» برای حکم استعمال تنباکو از تعبیر بسیار مقدس و بااهمیت «در حکم محاربه با امام زمان علیه‌السلام» استفاده کرده است. ایشان با این تعبیر، قلب عواطف مذهبی و روحیه ولایی شیعیان را تکیه‌گاه این نهضت بزرگ قرار داده است. به همین جهت، استقبال عمومی و فراگیری از همه قشرهای جامعه از این حکم شد. کربلایی در گزارش خود این مطلب را این‌گونه به تصویر می‌کشد:

از برکات توجه مخصوص حضرت امام عصر (عجل الله [تعالی] فرجه و ظهوره و صلی الله علیه و علی آبائه الطاهیرین) همه این اصناف مختلف مردم دارالخلافة، از مرد و زن، عالم و عامی، عالی و دانی، بزرگ و کوچک، با همه آن طبایع مختلفه و آرای متخالفه، چنان در کمال تمکین و

انقیاد، همگی بر سر این یک نقطه متفق و مجتمع شدند که تا عصر جمعه، در تمامی این چنین شهر عظیم، از هیچ نقطه [و] محلی، دود دخان چپق و قلیان بلند نمی شد (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۹).

تعبیر «محرابه با امام زمان (عج)» در حکم میرزا به قدری تأثیرگذار و تحریک آمیز بود که حتی اهل فسق و فجور نیز تحت تأثیر قرار گرفتند و از استعمال دخانیات احتراز کردند: مردم اوباش بلد و به اصطلاح وقت «مشتی ها» که از هیچ رو باکی از هیچ گونه مناهمی و معاصی ندارند، به غیرت اسلامیت، چپق ها را یک سره شکستند و شکسته چپق ها را بر تختگاه اداره کمپانی امتیاز انداختند. از این جماعتِ مشتی ها این کلمه به فزونی شنیده می شد: ... عرق را به امید شفاعت صاحب زمان (عج) می خورم؛ ولی چپق را به چه امید بکشم؟ (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۹). تنظیر استعمال تنباکو با «محرابه با امام زمان (عج)» باعث شده است این افراد که به رغم برخی رفتارهای ناشایست، هویت مذهبی و شیعی دارند و طبیعتاً برای رفتارهای نامناسب و غیر شرعی خود خط قرمزی قایل اند، به دلیل نوع حکمی که میرزا برای استعمال تنباکو بیان کرده است، حاضر نشوند تنباکو بکشند تا در زمره محاربان و مخالفان امام زمان (عج) محسوب نشوند. آنها با همان ذهنیت و تصور عوامانه خودشان معتقد بودند رفتارهای خلاف شرع، مثل نوشیدن شراب، با توبه و طلب بخشش از امام (عج) قابل جبران است؛ اما معنا ندارد که به جنگ امام زمان (عج) بروی و رودرروی او شمشیر بکشی و درخواست توبه و بخشش هم داشته باشی.

۲-۶-۳. همسانی حکم میرزا با حکم امام زمان (عج)

مرحوم میرزای آشتیانی که از علمای بزرگ این دوره در تهران است، در ملاقات با نایب السلطنه که از صحت و صدور این حکم سؤال کرده بود، می گوید: «این حکم از حضرت حجت الاسلام صادر شده و مخالفت این حکم، بالقطع و یقین، مخالفت با امام زمان (علیه الصلاة والسلام) است» (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۱).

مرحوم شیخ فضل الله نوری بعد از اشاره به روایت مقبوله عمر بن حنظله و تأکید امام صادق (عج) بر لزوم عدم مخالف با حکم الهی صادر شده توسط مجتهدین می نویسد: «مثل [حکم] جناب حجت الاسلام آقامیرزا (دام ظلّه العالی) [مثل حکم] حجت امام [عصر است] بر خلق و نقض حکم ایشان، نقض حکم امام (عج) است (رجبی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۵۷). برخی حتی معتقد بودند این حکم میرزا در حقیقت توقیع و حکم امام زمان (عج) است که به واسطه میرزا به دست مردم رسیده است:

بسیاری از علما و فضلا و ارباب فضیلت و معرفت را در این خصوص عقیده بر این بود که این

توقیع رفیع نورانی محققاً از جانب ناحیه مقدسه حضرت امام عصر (علیه الصلاة والسلام) است که بر لسان قلم مبارک حجت الاسلام جاری گشته و بسیاری از مردمانِ راسخ العقیده را در این خصوص اطمینان کامل بود که البته آن جناب را از ناحیه مقدسه در این خصوص به شرف مخاطبه مخصوص، ممتاز و سرفراز فرموده‌اند (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۱-۱۲۲).

در نامه منتشره توسط یکی از علما نیز به این نکته اشاره شده و حکم میرزا را از امثال توقیعات شریفه و صادره با عنایت و توجه امام زمان ع دانسته است:

از آنجایی که امام عصر حجت بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه) را توجهی تام است به شیعیان... از باب لطف جاری فرموده به قلم شریف جناب مستطاب قبله الانام حجت الاسلام آقای حاجی میرزا محمدحسن شیرازی (دام ظلّه العالی)... متوسل به ناحیه مقدسه امام زمان گردیده که «الیوم استعمال تنباکو و توتون، بآئی نحو کان، محاربه با امام زمان ع است» والحق این کلمه جامعه شریفه که مشتمل بر معانی کثیره است، داخل در توقیعات رفیعه و الفاظ صادره از لسان صاحب الزمان ع است (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۶-۳۵۷).

ایشان در ادامه این نامه تأکید دارند که تبعیت مردم از حکم میرزا ناشی از همین توجه و نظر

لطف امام زمان ع به این واقعه بوده است:

[این حکم] چنان آبهت و وقعی در قلوب وضع و شریف عالم و جاهل افکند که با هزار توپ و تفنگ ممکن نبود ممانعت این خلق را از شرب قلیان و نحو آن. گویا منادی امام زمان ع ندا درداد که ای مطیعین امام ع! حفظ اسلام موقوف به عدم استیلای کفار است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء، ۱۴۱) (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۶-۳۵۷).

همچنین میرزا علی آقا، فرزند مرحوم میرزای نایینی، از قول پدرشان نقل می‌کنند که میرزا در جمع شاگردانش صورت تلگرافی را از زیر تشک بیرون آورد و شروع کرد به خواندن: بسم الله الرحمن الرحيم اليوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان (صلوات الله و سلامه علیه) است. سپس میرزا فرمود: این تلگراف از ناحیه مقدسه حضرت حجت شرف صدور یافته (یادنامه میرزای شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۳۹).

۲-۶-۴. استفاده از مفاهیم ارزشی جهاد و شهادت در بیان مبلغان دینی

برای ایجاد شور و احساس در جهت تصمیم به عمل که از فرایندهای نقش ایدئولوژی در بسیج سیاسی است، یکی از روش‌های مورد نظر و استفاده در نهضت تحریم تنباکو، استفاده از مفاهیم ارزشی و شورانگیز دینی، مثل مفهوم جهاد و شهادت است. در جریان این نهضت، در مواقع

مختلف، در نامه‌ها، بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها، شعارها و... بر بحث جهاد، شهادت‌طلبی و کشته شدن در راه خدا و فیض شهادت تأکید می‌شد. یکی از موارد آن، که قبلاً هم نقل شد، تعبیر مرحوم فال اسیری در پایان سخنرانی بوده که فرمود: «موقع جهاد عمومی است. ای مردم، بکوشید تا جامعه زنان نپوشید. من یک شمشیر و دو قطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید، شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد.» سپس گریه‌کنان از منبر پایین می‌آید (تیموری، بی تا، ص ۶۹).

در گزارش نماینده انگلیس در تبریز هم به این نکته اشاره شده است که چنین شایع شده که مجتهد اعظم شهر گفته است در صورت ادامه کار شرکت رژی، وی وقوع جهادی را پیش‌بینی می‌کند (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۹۸). در همین راستا، اعلامیه‌هایی در بازارها نصب شد و در آن اعلام شده بود که اگر تا دو روز دیگر امتیاز لغو نشود، اعلان جهاد خواهد شد. حتی این حکم به مرحوم میرزای شیرازی هم نسبت داده شد. نیکی کدی به نسخه‌ای از این اعلامیه‌ها در سفارت انگلیس و وزارت خارجه فرانسه اشاره می‌کند که با دعوت از مسلمانانی شروع می‌شود که مدعی‌اند اگر با امام حسین شهید علیه السلام در صحرای کربلا حاضر می‌بودند، در جهاد شرکت می‌جستند. و می‌گوید که اینک زمان جهاد فرارسیده است (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۱۳۳).

نتیجه این نوع نگاه و فضای ایجادشده در نهضت را می‌توان در بخشی از وقایع نهضت دید. بعد از همین اعلامیه‌های جهاد، عده‌ای از تهرانی‌ها عملاً خود را برای جهاد آماده کردند، سلاح و آذوقه به دست آوردند و با خانواده‌های خود خداحافظی کردند (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۱۳۴). در شورش عظیمی که در سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام شکل گرفت، بعد از کشته شدن تعدادی از مردم و تشییع جنازه برخی کشته‌شدگان به سمت منزل میرزای آشتیانی شور بیشتری در میان مردم ایجاد شد؛ به گونه‌ای که همه آماده شهادت و نثار جان خود بودند و به تعبیر مرحوم کربلایی عموم مردم را چنان جوش و شوری فراگرفته که در آن حال هیچ کس را از مباشرت جنگ و مصادمت توپ و تفنگ، اصلاً اندیشه و پروایی نبود... یقیناً هر گاه در آن حال یک شخص از علمای اعلام دارالخلافه پیش افتاده و به آرک روانه می‌شد، تمامی این همه مخلوق، سرها را بر کف گرفته، مانند سیل شهر آشوب به دنبال او تا داخل حرم‌سراهای پادشاهی می‌تاختند (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷). بعد از گسترش شایعه تبعید شبانه میرزای آشتیانی به عتبات، جمع زیادی از علما و طلاب شب را در منزل ایشان ماندند و عده‌ای نیز قرآنی در وسط گذاشتند و با یکدیگر عهد و پیمان بستند که تا پای جان خودشان بر سر این مسئله مقاومت نمایند (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۰).

۳. عمومی شدن ایدئولوژی

به نوعی می توان گفت آخرین مرحله برای بسیج سیاسی، عمومی شدن ایدئولوژی است که در حقیقت با گسترش اصول فکری نهضت و تبیین آن به صورتی که برای عموم قابل فهم باشد و استفاده از عناصر ارزشی برای ایجاد انگیزه و شور برای تصمیم به عمل رخ خواهد داد. در فرایند نهضت تحریم تنباکو، شواهد تاریخی نشان می دهد که ایدئولوژی نهضت عمومی شده و عامه مردم به صورت جدی برای مقابله با قرارداد از طریق تبعیت عمومی از حکم میرزای شیرازی بسیج شدند و این بسیج عمومی عامل پیروزی نهضت شد. مستندات تاریخی نشان می دهد بعد از صدور حکم میرزا مبنی بر عدم استفاده از تنباکو، همه اقشار مردم، حتی مشتی ها و لوطی ها که اهل مفاسدی مثل عرق خوردن بودند، از استعمال تنباکو پرهیز کردند. شکستن چپق ها و ریختن چپق های شکسته در تختگاه اداره کمپانی و تعطیلی دکان های قلیان سازی و هر نوع وسایل مربوط به دخانیات، شاهدهی بر این ماجراست (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸-۱۲۰). در تلگراف یکی از علمای تهران خطاب به میرزا آمده است: «به نحوی این توقیع رفیع بدیع، وقع در قلوب شریف و وضیع، و قوتی به شریعت مطهره رسید که مافوق آن متصور نخواهد گردید...» (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۹).

اطاعت عامه مردم از حکم تحریم، هم مایه شگفتی ایرانیان شد و هم مایه اعجاب خارجیان؛ چنان که سفرای خارجی این مضمون را به کشورهای خود مخابره کردند: «چیزی را که عادت شبانه روزی عمومی مسلمانان، حتی اطفال آنان و اعظم عادات ایشان بوده... به محض یک دو کلمه نوشته معنی که به رئیس آیین خودشان نسبت داده شده، یک دفعه چنان بالمره متارکه نمودند که ارتکاب آن، در انظارشان عار و سَنار است» (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۱).

فوری، پزشک فرانسوی ناصرالدین شاه، تعجب خود را از پیروی مردم از حکم میرزای شیرازی این گونه ابراز داشته است: بی درنگ، با هماهنگی کامل، تمام تنباکوفروشان دکان های خود را تعطیل کردند؛ تمام قلیان ها کنار گذاشته شده است و هیچ کس، نه در شهر نه در حول و حوش ناصرالدین شاه و نه حتی در اندرون او، لب به قلیان نمی زند. عجب انضباط و اطاعتی در آن موقع که پای عمل کردن به فتوای مجتهد متنفذ و معروفی در میان است، مشاهده می شود. اختیار اوضاع در حقیقت در دست ملاهاست (نیکی، ۱۳۵۸، ص ۱۲۷).

سفیر روس نیز در مجلسی که با حضور سفرای خارجی در ایران و صاحب امتیاز تنباکو تشکیل داد، به عمومی شدن و پذیرش مردم نسبت به حکم میرزا می گوید: رئیس اسلامیان که به مراحل از

حدود ایران بیرون است... دو کلمه در خصوص منع مسلمانان از این عمل نوشت فرستاد... و به محض اشتها این یک دو کلمه نوشته، تمامی مسلمانان را با این [که] هنوز صحت و صدق این نوشته بر اکثر و اغلب ایشان محقق نشده بود، تنها به احتمال اینکه شاید صحیح باشد، این چنین عادت پانصدساله را یک دفعه، چنان که می بینید، بالمره متارکه نمودند (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۲).

همان طور که در تعبیر فوق از فرنگی ها نیز دیده می شود، این استقبال عظیم از جانب مسلمانان، عمدتاً به خاطر بُعد دینی این حکم بود نه صرفاً مسائل اقتصادی و سیاسی. یکی از شواهد تاریخی آن هم نقل امین الدوله است که می گوید: «بتأهایی که در خانه ما کار می کردند، به محض دیدن قلیان، دست از کار کشیدند و گفتند: در خانه ای که بدین وضوح بی دین باشند که قلیان بکشند، ما کار نمی کنیم» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹، ص ۷۸۲).

حساسیت مردم نسبت به این حکم به قدری است که در استفتائاتی که از علما شده، یک نفر که قبل از صدور حکم مقداری تنباکو خریده و پهن کرده بود که خشک شود، این سؤال را پرسیده است که: «آیا معنی لفظ استعمال در حکم مذکور، شامل جمع کردن و کیسه کردن این تنباکوها هم می شود؟» (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰-۱۲۱). همچنین نقل شده که یک مالک بزرگ شیرازی دوازده هزار کیسه تنباکوی خود را آتش زده و وقتی نمایندگان شرکت برای خرید تنباکو به او مراجعه می کنند، می گوید: «همه را به خداوند فروختم» (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۹۴-۹۵). تأثیر عمیق این حکم در میان مردم به دلیل بعد ولایی آن، به معنای حکم نایب امام زمان علیه السلام که برای مردم لازم الاجراست و اینکه بحث «محاربه با امام زمان علیه السلام» طرح شده است، باعث شد که پرهیز عمومی به گونه ای شدت و گسترش پیدا کند که استعمال دخانیات از یک «تحریم شرعی» و تکلیف دینی مسلمانان به یک امر مذموم عرفی تبدیل شده و قبح اجتماعی پیدا کند؛ به گونه ای که به طور کلی ایرانیان، حتی مسیحیان و یهودیان نیز که از نظر شرعی مجبور به رعایت این حکم نبودند، اما از لحاظ اجتماعی آن قدر تحت فشار قرار گیرند که مجبور به رعایت این تحریم شرعی شوند؛ لذا گزارش های متعددی مبنی بر پرهیز پیروان سایر ادیان از استعمال تنباکو وجود دارد (ر.ک: نیکی، ۱۳۵۸، ص ۱۲۷).

همچنین گسترش عمومی و اجتماعی این مسئله به گونه ای بود که حتی افرادی که تقیدات دینی نداشتند نیز به این حکم عمل کردند؛ چنان که امین الدوله در خاطرات خود نقل می کند که فرنگی مآبان یعنی جوانان بی مبالاّت زمان که به فرایض و مستحبات دینی اعتنا و اعتقاد نداشتند، به

اهل دین و آیین مقدسین تأسی کرده و سیگار و سیگارت نکشیدند و به تعبیر او، قهوه‌خانه‌ها بسته ماند و دل تریاکیان شکسته (امین‌الدوله، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷).

نتیجه

مستندات تاریخی نشان می‌دهد در نهضت تحریم تنباکو، ابتدا مبانی فکری و فلسفی نهضت را مرجع بزرگ وقت، آیت‌الله میرزای شیرازی علیه السلام به عنوان رهبر فکری نهضت تبیین کرد. ایشان با تحریم کالاهای خارجی از باب ممانعت از سلطه کفار، در سال‌های قبل از تحریم تنباکو، اصل این مبنا را در بین مردم ترویج دادند. سپس در نامه‌ها و تلگراف‌ها و حکم نهایی که صادر کردند، قرارداد مذکور را منافی با قرآن مجید، نوامیس الهیه، موجب سلطه کفار و تحقیر مسلمین و مخالف احکام شرعی دانستند و استعمال تنباکو را در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام اعلام کردند. بعد از ایشان، روحانیان و مبلغان دینی، در سطوح مختلف و در قالب صدور اعلامیه، نگارش نامه، پخش و قرائت حکم میرزا، منبر و سخنرانی در مساجد و اماکن مذهبی به‌ویژه در ایام محرم و رمضان، به ترویج و تبیین این اصول و مبانی فکری به زبان ساده و عموم‌فهم پرداختند. همچنین از طریق مفاهیم ارزشی مثل جهاد، شهادت، تولی و تبری، تبیین نسبت حکم میرزا با امام زمان علیه السلام تلاش کردند از انگیزه و شور لازم برای تصمیم مردم به عمل، استفاده نمایند و از این طریق عموم جامعه را برای مخالفت با قرارداد و پیروی از حکم میرزا بسیج نمایند. این بسیج عمومی و به تعبیر برخی محققان، نافرمانی و مقاومت منفی مردم در مقابل قرارداد، موجب فشار به حکومت قاجار برای لغو قرارداد شد؛ لذا می‌توان گفت طبق الگوی نظری بسیج سیاسی، در تمام مراحل فرایند بسیج سیاسی، مبلغان دینی از طریق مناسبت‌ها و برنامه‌ها و سخنرانی‌های دینی برای بسیج سیاسی مردم نقش منحصربه‌فردی داشتند و بر خلاف آنچه امروزه برخی به دنبال القای آن هستند، در سده‌های گذشته نیز مراسم‌های مذهبی و مبلغان دینی، از فضای تبلیغ دینی برای فعالیت‌های سیاسی استفاده می‌کردند و در مجالس مذهبی و منبرهای دینی و ایام تبلیغی محرم و رمضان و ارزش‌های دینی برای پیش‌برد اهداف سیاسی و نهضت‌های سیاسی - اجتماعی استفاده می‌کردند.

منابع

* قرآن کریم.

۱. اعتماد السلطنه (۱۳۷۹). روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه. با مقدمه ایرج افشار، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
۲. امین‌الدوله، میرزاعلی‌خان (۱۳۷۰). خاطرات سیاسی امین‌الدوله. به کوشش حافظ فرماروائیان، تهران: امیرکبیر.
۳. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. چ ۲، تهران: اسلامی.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۲). انقلاب و بسیج سیاسی. دانشگاه تهران.
۵. پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹). نظریه‌های انقلاب؛ وقوع، فرایند و پیامدها، تهران: سمت.
۶. تیلی، چارلز (۱۳۸۵). از بسیج تا انقلاب. ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. تیموری، ابراهیم (بی‌تا). تحریم تنباکو؛ اولین مقاومت منفی در ایران. تهران: کتابخانه سقراط.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، سازمان لغتنامه.
۹. رجبی، محمدحسن (۱۳۹۰). مکتوبات و بیانات سیاسی اجتماعی علمای شیعه. تهران: نی.
۱۰. رهبر، محمدتقی (۱۳۹۱). پژوهشی درباره تبلیغ. قم: بوستان کتاب.
۱۱. صفایی، ابراهیم (اسفند ۱۳۵۵). اسناد سیاسی دوران قاجاریه. چ ۱، تهران: بابک.
۱۲. کدی، نیکی آر. (۱۳۵۸). تحریم تنباکو در ایران. ترجمه شاهرخ قائم مقامی، تهران: نشر کتابهای جیبی.
۱۳. کربلایی اصفهانی، حسن (بهار ۱۳۷۷). تاریخ دخانیه. به کوشش رسول جعفریان، قم: الهادی.
۱۴. لمبتون، آن. ک. س (۱۳۶۳). سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام. ترجمه یعقوب آژند، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
۱۵. نجفی، موسی و موسی حقانی (۱۳۸۱). تاریخ تحولات سیاسی ایران. چ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۶. یادنامه میرزای شیرازی (چهارشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۷۱). روزنامه جمهوری اسلامی.
17. G. Sorel (1950). Reflections Of Violence. Glencoe Free Press.
18. Gamson, William (1975). The strategy of social protest. Published By: The Academy of Political Science,.
19. M. Eliadeh. Mythes (1967). Dreams and Mysteries. New York.
20. Oberschall, Anthony (1973). Social Conflict and Social Movements. Prentice- Hall.